



پنج شنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴ صفحه ۲۰ هزار تومان ■ سال چهارم ■ شماره ۹۳۷
www.hammihanonline.ir



بحران معنا

یادداشتی از **رضا یعقوبی** مترجم و پژوهشگر سیاسی درباره زیست جهان امروز ایرانیان



گزارش میدانی ۱۴-۱۳

تعلیق تحصیل پس از جنگ ۱۲ روزه

روایت نسیم سلطان بیگی از تجمع دانشجویان ایرانی پشت در سفارت‌خانه‌های ایتالیا و آلمان در تهران



تجاوزگر و البیت قدرت

بررسی رای کنگره آمریکا به انتشار اسناد **جفری اپستین** و تبعات رفاقت قدرتمندان و ثروتمندان با او



اجرای سخت

گفت‌وگو با نمایندگان درباره جلسه با دولت بر سر اجرای برنامه هفتم

گفتار سیاستمدار ۲۰۳

با تاکید بر ضرورت تغییرات کلان در روند اداره کشور

خاتمی:

تجدید نظر کردن تسلیم نیست

یادداشت سردبیر

تجدید نظر یا تسلیم؟

به بهانه گفته خاتمی و نوشته تاج‌زاده



محمد جواد روح

اظهارات اخیر سید محمد خاتمی در دیدار اعضای جبهه اصلاحات، فراتر از نگرانی‌هایی که درباره سرنوشت کشور مطرح کرد و هشدارهایی که به تصمیم‌گیرندگان داد، جمله‌ای کلیدی داشت که جای تأمل و توجه دارد. خاتمی در پاسخ به پرسش مقدر و مکرر «چه باید کرد؟» چنین گفت: «همچنان معتقدم که تنها و کم‌هزینه‌ترین راه ممکن در شرایط فعلی این است که حاکمیت رویکرد خود را تغییر دهد و حتی در خط قرمزهای خود در صورتی که اصل نظام و مصلحت ملت و کشور آسیب ببینند، تجدیدنظر کند و البته این امر به هیچ وجه به معنی تسلیم در برابر فزون‌خواهی بیگانه نیست.» سید مصطفی تاج‌زاده نیز در بخشی از مقاله اخیر خود، از منظری دیگر به این موضوع پرداخت و نوشت: «واقعیت آن است که پس از هفت اکتبر ۲۰۲۲، موازنه قوا به ضرر جمهوری اسلامی بر هم خورده است و (...) نمی‌تواند به صرف مذاکره، به اهدافی دست یابد که پیش از آن در دسترس ایران قرار داشت... به نظر من، (...) [آنها] درست می‌گویند که مذاکره با آمریکا در حال حاضر حتی اگر با بن‌بست روبه‌رو نباشد، از موضع برابر ممکن نیست و با دادن امتیازات بزرگ، در حد تعطیل کردن غنی‌سازی اورانیوم همراه است؛ اما به جای آنکه بر انجام تغییرات (...) و کشایش‌های سیاسی تأکید ورزند تا مذاکره از موضع برابر ممکن شود، می‌گویند ایران راهی جز قطع ارتباط با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خروج از NPT و ساخت سلاح هسته‌ای ندارد. آنها از این نکته غافلند که پیمودن چنین مسیری، ایران را گرفتار جنگی ویرانگر با آمریکا و متحدانش می‌کند. بعید هم نمی‌دانم که جماعتی از آنان با علم به عواقب این راه، چنین پیشنهادهایی مطرح می‌کنند؛ چرا که منافع خود را در بروز جنگ می‌یابند. همچنان که پیش از این (...) به کاسبی تحریم پرداختند، در هر حال، از شرایط نابرابر طرفین و حتی از بن‌بست مذاکرات، نمی‌توان و نباید نتیجه گرفت که به استقبال جنگ رفتن بهتر است. آن هم در شرایطی که نظام، بسیاری از اهرم‌های بازدارنده خود را در داخل و خارج از دست داده و اوضاع اقتصادی کشور و وضعیت معیشتی مردم بسیار وخیم است.» این دو گفتار، نشانه آشکاری است از دشواری وضعیت امروز ایران در مناسبات بین‌الملل؛ وضعیتی که اصلاح‌جویان به حاشیه‌انده‌شده‌ای چون خاتمی و حتی زندانیانی سیاسی چون تاج‌زاده به آن واقف‌اند و به رغم همه نقدهایی که به حاکمیت (...) دارند، این واقعیت را هم در تحلیل‌ها و مواضع خود لحاظ می‌کنند که خروج کشور از وضعیت کنونی (دست‌کم در حوزه مناسبات بین‌الملل)، فراتر از خواست و اراده نظام سیاسی است و عملاً سرنوشت ایران تا حد زیادی تحت‌تأثیر مناسبات قدرت‌های جهانی قرار گرفته است. 

گزارش دیپلماسی ۶-۷

پیمان و پیغام

بررسی دیدار محمد بن سلمان و دونالد ترامپ در کاخ سفید و آنچه درباره صلح خاورمیانه و ضرورت دستیابی به توافق با ایران گفتند

سرمقاله

مشخص شود که با کدام ابزار و روش‌ها و نیروها در پی تحقق این اهداف هستند، اگر آنها متفاوت از اهداف کارگزاران اصلی در دولت باشند، نوعی ائتلاف وقت است. مسئله اصلی هر حکومتی این است که اهداف روشنی داشته باشد. تقریباً کمتر کسی می‌داند که چشم‌انداز کنونی ساختار سیاسی چیست؟ تا همه عوامل رسمی دنبال تحقق آن چشم‌انداز باشند، یکدستی حکومت از حیث وحدت چشم‌انداز امر بدی نیست؛ به شرطی که دنبال دائمی کردن این یکدستی و تسری آن به جامعه نباشند. اتفاقاً تفاوت در چشم‌انداز و شکاف درون سیستمی بسیار زیان‌بار است. در مرحله بعد باید بهترین شیوه‌ها، ابزارها و امکانات را تحت یک راهبرد جامع و برای رسیدن به آن چشم‌انداز به کار گرفت. امروز آشکار است که جامعه ایران فاقد چشم‌انداز رسمی امیدبخش است. حتی اگر بتوان چنین چشم‌اندازی را هم تعریف کرد، ابزار و امکانات و حتی نیروی انسانی لازم را برای تحقق که همسوا با آن باشند، در اختیار ندارد. از همه بدتر اینکه به الزامات و تبعات چنین چشم‌اندازی ملتزم نیستند؛ همچنان که در برنامه چشم‌انداز ۱۴۰۴ چنین رفتاری کردند. مسئله این است که هیچ‌کس نمی‌داند پس از تحولات دو سال اخیر، اکنون دنبال چه اهدافی هستند؟ خالص‌سازی و پاک‌سازی نیروها؟ نابودی اسرائیل و آمریکا؟ رشد اقتصادی ۸ درصد برای طولانی‌مدت؟ اول شدن در منطقه مطابق معیارهای سند چشم‌انداز؟ رسیدن به تمدن اسلامی؟ عدالت اجتماعی؟ هر کدام که هست، چه نیروهایی و امکاناتی برای تحقق آن تدارک دیده شده؟ آیا همین نیروها و امکانات موجود است؟ به نظر می‌رسد که نوعی سردرگمی و بی‌تصمیمی بر روند امور غلبه دارد و بی‌تصمیمی حتی از تصمیم بد هم بدتر است. چنین رفتاری به معنای سپردن کشور به حوادث و اتفاقات و امواج مهیب و ترسناک است.

عکس: Gettyimages